

بررسی رابطه بین معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و رضایت زناشویی در زنان و مردان متأهل دانشجوی در تهران

Premarital Heterosexual Relationships and its Association with Marital Satisfaction among Married College Students in Tehran

F. Khalajabadi Farahani, Ph.D.

✉ دکتر فریده خلیج آبادی فراهانی

استادیار مؤسسه ملی تحقیقات جمعیتی

A. Zadehmohammadi, Ph.D.

دکتر علی زاده محمدی

دانشیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۱/۹/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۳/۱۱/۱۱

پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۱۲

Abstract

Despite increasing trends towards premarital heterosexual relationships among youth and marital dissatisfaction among couples, few studies have examined the association between these two phenomena. This paper aims to assess the relationship between experience or premarital heterosexual relationships (both friendship & sexual) with marital satisfaction. This paper is based on the survey data of a mix method study conducted in 2011-2012.

✉ Corresponding author: National Population Studies and Comprehensive Management Institute. Address: No. 3, Fifth st., Miremad st., Motehkhari Ave., Tehran, Iran
Email: Faridehfarahani2@gmail.com

چکیده

علی‌رغم روند رو به افزایش معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان و هم‌چنین نارضایتی‌های زناشویی در زوج‌ها در ایران، مطالعات بسیار اندکی به بررسی رابطه بین این دو پدیده پرداخته‌اند. این مقاله با هدف بررسی رابطه بین تجربه معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج اعم از رابطه دوستی و رابطه پیشرونده (منظور رابطه جنسی) و رضایت زناشویی تهیه شده است. این مقاله بر اساس داده‌های بخش کمی یک مطالعه ترکیبی تهیه شده است که در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ انجام شد.

✉ نویسنده مسئول: تهران، خیابان مطهری، خ میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
پست الکترونیکی: Faridehfarahani2@gmail.com

In this paper, 299 married college students, both males and females aged 18-40 were recruited using stratified cluster sampling from all educational levels of 7 selected universities, both private and government universities. A valid and reliable self-administered anonymous questionnaire was employed and piloted. Results of path analysis indicated that the greatest coefficient of impact on marital satisfaction is associated with knowing personality of spouse at the stage of marriage ($B=0.435$, $P<0.001$), and then the experience of multiple heterosexual relationships before marriage is another factor which had the highest negative effect on marital satisfaction ($B=-0.282$, $p<0.05$). Moreover, having multiple heterosexual relationships before marriage have an indirect effect on marital satisfaction via religious inconsistency with spouse ($B=-0.269*0.182*0.435=-0.02$). Hence, having multiple relationships before marriage which are not intended for marriage, can determine lower marital satisfaction. In contrast, knowledge about characteristics of spouse at marriage is a positive factor in marital satisfaction. Further large scale studies are required to confirm these results. These results can be used in amending misperceptions among youth in this regard.

Keywords: Premarital Heterosexual, Marital Satisfaction, Married College Students.

در این مقاله، ۲۹۹ دانشجوی زن و مرد متأهل سنین ۱۸ تا ۴۰ ساله که به روش دو نمونه‌گیری مرحله‌ای سهمیه‌ای و خوشه‌ای در همه مقاطع تحصیلی از ۷ دانشگاه منتخب در تهران اعم از دولتی و آزاد انتخاب شدند، بررسی شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه خودایفایی بدون نام بود که اعتبار و روایی آن بررسی شد و پایلوت گردید.

نتایج تحلیل مسیر نشان داد که بیشترین ضریب تأثیر روی رضایت زناشویی مربوط به میزان شناخت از همسر در بدو ازدواج می‌باشد ($P<0.001$)، و پس از آن تجربه معاشرت‌های متعدد با جنس مخالف قبل از ازدواج است که بیشترین ضریب تأثیر منفی را بر رضایت زناشویی دارد ($P<0.05$ ، $B=-0.282$).

هم‌چنین تجربه معاشرت‌های متعدد به طور غیرمستقیم از طریق ناسازگاری مذهبی با همسر بر کاهش رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد ($0.269*0.182*0.435=-0.02$). لذا تعدد رابطه‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف که معمولاً با انگیزه‌هایی غیر از ازدواج می‌باشند، می‌تواند تعیین‌کننده رضایت کمتر زناشویی پس از ازدواج باشد. برعکس شناخت بیشتر از خصوصیات همسر، به عنوان عامل مثبت در رضایت زناشویی می‌باشد. مطالعات بیشتر با حجم نمونه بالاتر می‌تواند به تأیید نتایج فوق کمک کند. نتایج فوق می‌تواند در اصلاح بسیاری از باورهای نادرست در بین جوانان به کار آید.

کلیدواژه‌ها: رابطه قبل از ازدواج، رضایت زناشویی، دانشجویان متأهل.

مقدمه

علی‌رغم این‌که دوستی و معاشرت نزدیک با جنس مخالف خارج از پیوند زناشویی بر خلاف عرف و هنجار سنتی، مذهبی و فرهنگی جامعه ایران است، اما در سال‌های اخیر شواهد موجود، نشان

می‌دهد که سهم قابل توجهی از نوجوانان (۶۰-۲۰ درصد گروه سنی ۱۸-۱۴ ساله) با یک یا چند نفر از اعضای جنس مخالف و اغلب به طور پنهانی و بدون رضایت خانواده ارتباطات و معاشرت‌های عاطفی و گاه پیشرونده برقرار می‌کنند. این نوع دوستی‌های ناپایدار و پنهانی، اغلب برای هر دو جنس به‌ویژه دختران آسیب‌های گوناگون روانی، آموزشی و اخلاقی به بار می‌آورد (گلزاری، ۱۳۸۳؛ خلج‌آبادی فراهانی، ۱۳۸۷؛ محمدی و همکاران، ۱۳۸۵؛ محمد و همکاران، ۱۳۸۶؛ جعفری، ۱۳۸۴؛ میرمولایی، ۱۳۸۴).

هم‌زمان با روند افزایشی سن ازدواج در جوانان به خصوص زنان در دهه‌های گذشته (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج (خلج‌آبادی فراهانی، ۲۰۰۸)، میزان شکست در ازدواج‌ها نیز سیر صعودی یافته است، این امر به‌خصوص در شهرهای بزرگ مانند تهران بیشتر مشهود است. به‌طوری که در تهران بر اساس آمار ثبت احوال در سال ۱۳۹۰، نسبت ازدواج به طلاق ۳ به ۱ گزارش شده است. در این سال تعداد ۱۰۱۸۲۹ مورد ازدواج رخ داده است، درحالی که حدود یک‌سوم این تعداد طلاق اتفاق افتاده است (۳۱۶۴۰ مورد طلاق)، این بدین معنی است که از هر سه مورد ازدواج، حدوداً یک مورد طلاق رخ می‌دهد (سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۱). این امر موجب نگرانی‌هایی در بین مسئولین فرهنگی و اجتماعی شده و آن‌ها را بر آن داشته تا به بررسی ریشه‌های این معضل بپردازند. بیشترین ترکیب طلاق ثبت شده در سال ۱۳۹۱، مربوط به مردان ۲۵ تا ۲۹ ساله با زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله بوده است که نشانگر رخداد طلاق در بین زوج‌های جوان است (سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۱).

مطالعه‌ای کیفی روی دختران دانشجوی در دانشگاه‌های دولتی و آزاد شهر تهران در سال ۱۳۸۷ نشان داد که یک باور غالب در بین جوانانی که تجربه دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج را گزارش کرده‌اند، وجود دارد مبنی بر این‌که تجربیات فوق موجب شناخت بیشتر از جنس مخالف و احتمالاً موفقیت بیشتر در ازدواج و بهبود کیفیت رابطه زناشویی می‌گردد و یا حتی این تجربیات را با رضایت جنسی پس از ازدواج مرتبط می‌دانستند. هم‌چنین بسیاری از جوانان در خصوص درستی و نادرستی این نوع معاشرت‌ها و تأثیرات آن دچار ابهام و تردید بودند (خلج‌آبادی فراهانی، ۱۳۸۷).

در حالی که، مطالعات بسیار اندکی به بررسی تأثیرات تجربیات قبل از ازدواج با جنس مخالف بر رضایت زناشویی پرداخته‌اند. اکثر مطالعات موجود، به بررسی کلی عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی و رضایت زناشویی پرداخته‌اند و کمتر به طور خاص نقش این نوع معاشرت‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف را بر کیفیت ازدواج بررسی نموده است. رزمجویی (سال ۱۳۸۹) با این فرض که هر چه افراد، قبل از ازدواج، شناخت بیشتری از هم داشته باشند، رضایتمندی زناشویی بیشتری خواهند داشت، مطالعه‌ای روی ۸۰ نفر از زوجینی که ۳ سال از زندگی مشترک‌شان گذشته بود و از نظر سن، وضع اقتصادی و تحصیلات همگن شده بودند انجام داد. ایشان به منظور بررسی رضایت زناشویی از

پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ و به منظور بررسی میزان و نوع روابط پیش از ازدواج، از پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته استفاده کرد. او نشان داد که زوجینی که قبل از ازدواج، طی جلسات بحث و گفت‌وگو، شناختی نسبتاً کامل نسبت به باورها، عقاید مذهبی، هدف زندگی، دیدگاه ازدواج، اخلاقیات طرف مقابل به دست آورده بودند، نسبت به زوجینی که قبل از ازدواج هیچ رابطه‌ای با هم نداشته‌اند، رضایت بیشتری از ازدواج خود داشتند. البته این مطالعه به معاشرت‌های معمولی و جلسات بحث و گفت‌وگوی زوجین با انگیزه ازدواج، پرداخته است. مطالعه ایشان به بررسی تأثیر معاشرت‌های پیش‌رونده‌تر با جنس مخالف قبل از ازدواج بر رضایت زناشویی نپرداخته است. ثانیاً، منحصرأ روابط قبل از ازدواج با همسر کنونی فرد بررسی شده است و ارتباطات مشابه با افرادی غیرهمسر کنونی مدنظر قرار نگرفته است.

مطالعه دیگر توسط صادقی و همکاران در سال ۱۳۸۹، با هدف بررسی رابطه انواع سبک‌های همسرگزینی و سازگاری زناشویی انجام شد. ۳۳۴ زن از طریق نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند و پرسش‌نامه سازگاری زناشویی (مت، لاک و والاس ۱۹۵۹) و سبک‌های همسرگزینی را تکمیل نمودند. مطالعه نخست نشان داد که سبک‌های همسرگزینی آشنایی قبلی و ازدواج با رضایت خانواده و خواستگاری و ازدواج با رضایت فرد و خانواده، سطح بالاتری از سازگاری زناشویی را به طور معنادار در مقایسه با سبک‌های خواستگاری و ازدواج اجباری و آشنایی قبلی با همسر و ازدواج اجباری نشان داده است. البته نمره سازگاری زناشویی که از طریق خواستگاری و ازدواج با رضایت خود و خانواده، آشنایی و ازدواج با موافقت خانواده‌ها و شیفتگی و ازدواج علی‌رغم مخالفت خانواده‌ها ازدواج نموده‌اند، در ابتدا بالا بوده، اما با گذشت زمان در گروه‌ها، افت و خیزهایی در نمرات سازگاری مشاهده شده است. بر اساس نتایج این تحقیق، در افراد متعلق به سبک همسرگزینی شیفتگی و ازدواج علی‌رغم مخالفت خانواده‌ها، به مرور زمان نه‌تنها نمره سازگاری زناشویی کاهش داشته، بلکه با گذشت زمان روند رو به نزول خود را حفظ کرده و این روند نزولی پس از گذشت چند سال از ازدواج هم‌چنان ادامه یافته و کاهش می‌یابد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹).

پیشینه تحقیق در جوامع دیگر، عمدتاً به تأثیر همباشی (Cohabitation) بر کیفیت ازدواج پرداخته‌اند و هیچ مطالعه قبلی دیگری، تأثیر دوستی و رابطه جنسی قبل از ازدواج را بر کیفیت ازدواج بررسی نکرده است. لذا، با فرض این‌که رابطه همباشی در سایر جوامع، تا حدودی مشابه رابطه دوستی و پیشرفته قبل از ازدواج در جامعه ایران بوده با این تفاوت که در همباشی، هم‌مکانی نیز صورت می‌گیرد، در حالی که در مدل معاشرت‌های دوستی و جنسی قبل از ازدواج با جنس مخالف در ایران، ضرورتاً هم‌مکانی صورت نمی‌گیرد، لذا نتایج برخی از مطالعات انجام شده که رابطه بین همباشی قبل از ازدواج و رضایت زناشویی را بررسی کرده‌اند نیز می‌توانند قابل تعمیم به تأثیر معاشرت‌های دوستی و جنسی بر رضایت زناشویی باشند. برخی از مطالعات، نشان داده‌اند که

همباشی با افزایش خطر طلاق همراه است (بامپس، مارتین، سوئیت ۱۹۹۱؛ دی ماریس و مادونالد، ۱۹۹۳؛ دیماریس و رأو، ۱۹۹۲؛ اسموک ۲۰۰۰). به طوری که ازدواج، پس از چندین ماه همباشی، با افزایش ۵۰ درصدی خطر طلاق همراه است. اگرچه تأثیر رابطه جنسی قبل از ازدواج کمتر بررسی شده است، ولی شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد رابطه جنسی قبل از ازدواج نیز با افزایش خطر طلاق مرتبط است (کان و لندن، ۱۹۹۱؛ وایت، ۱۹۹۰).

مطالعه‌ای بر اساس داده‌های پیمایش ملی رشد خانواده در سال ۱۹۹۵ در آمریکا، نشان داد که روابط جنسی قبل از ازدواج و همباشی، زمانی که محدود به همسر کنونی زنان، باشد، با افزایش خطر طلاق و یا قطع رابطه زناشویی همراه نیست. اما زمانی که بیش از یک شریک جنسی قبل از ازدواج داشته‌اند با افزایش خطر طلاق روبه‌رو شده‌اند. این نتایج پیشنهاد می‌کند که روابط دوستی و صمیمی تر (جنسی)، اگر محدود به همسر کنونی فرد باشد، در واقع بخشی از فرآیند ازدواج محسوب می‌شود (تیچمن، ۲۰۰۳).

از ابعاد روان‌شناسی و اجتماعی چنین معاشرت‌هایی بر نوع نگرش افراد نسبت به جنس مخالف، ایده‌آل‌ها و کیفیت تعامل با همسر و میزان موفقیت یا عدم موفقیت ازدواج تأثیرگذار خواهد بود، درحالی که ماهیت و جزئیات این تأثیرات در جامعه ایرانی به خوبی شناخته نشده است. لذا، این مقاله به بررسی رابطه بین تجربه معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج (رابطه دوستی و رابطه جنسی یا پیشرفته) و رضایت زناشویی می‌پردازد. در جهت دستیابی به هدف فوق، این مطالعه، ابتدا رابطه بین وضعیت اجتماعی اقتصادی فرد و همسر و رضایت زناشویی، رابطه بین سبک همسرگزینی و رضایت زناشویی، رابطه بین سن ازدواج زن و همسر، مدت زندگی زناشویی، همخوانی اقتصادی، فرهنگی و مذهبی و رضایت زناشویی را بررسی کرده و سپس به بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم تجربه معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر میزان رضایت‌مندی در ازدواج می‌پردازد. برای توضیح و تبیین تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر رضایت زناشویی، بر اساس پیشینه تحقیقات، ابتدا ارتباط عوامل مختلف در سطوح متفاوت با رضایت زناشویی بررسی شدند که بر اساس آن، مدل مفهومی این مطالعه شکل گرفت.

برخی عوامل مرتبط با فاکتورهای زمینه‌ای و تجربیات پیش از ازدواج افراد است که شامل پیشینه اقتصادی - اجتماعی خانواده، پایبندی به مذهب، خصوصیات فردی، طلاق والدین و خصوصیات ازدواج شامل سن ازدواج، تحصیلات خود و همسر، نگرش‌های فردی و جنسیتی، برخی عادات رفتاری (مصرف الکل و سیگار)، معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج، رفتارهای جنسی و دسترسی به رسانه‌ها می‌باشد. برخی عوامل محیطی مانند درک از هنجارهای دوستان، خانواده و جامعه و شیوع طلاق در خانواده و جامعه و برخی عوامل دیگر مربوط به ماهیت ازدواج (مدت زندگی زناشویی، تطابق خصوصیات اقتصادی، فرهنگی و مذهبی خود با همسر، تطابق نقش‌ها و تعامل با

همسر) می‌توانند دخیل باشند. لذا رابطه هر یک از عوامل فوق در سطوح مختلف در طراحی این مطالعه در نظر گرفته شدند.

این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین تجربه معاشرت دوستی و پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج و میزان رضایت زناشویی طراحی شده است. در راستای تحقق هدف اصلی این مقاله، رابطه بین سایر عوامل با میزان رضایت زناشویی نیز بررسی می‌شوند تا بتوان تأثیرات عوامل مهم را در تحلیل اصلی کنترل نمود. رابطه بین سن شروع معاشرتهای قبل از ازدواج و تعداد معاشرتهای نیز با رضایت زناشویی سنجیده می‌شود. همچنین مسیر تأثیرگذاری چنین تجربیاتی بر رضایت زناشویی و عوامل بینابینی با استفاده از تحلیل مسیر شناسایی می‌گردند.

روش اجرا

این مقاله بر اساس داده‌های کمی (پیمایش) یک مطالعه بزرگ‌تر از نوع توصیفی - تحلیلی تهیه شده است. با توجه به ماهیت حساس موضوع مورد مطالعه، از پرسش‌نامه خودایفایی بدون نام که اعتبار و روایی آن ارزیابی شده و پایلوت گردیده، استفاده شد. نمونه مورد نظر برای این مقاله، دانشجویان متأهل زن و مرد سنین ۱۸ تا ۴۰ ساله بودند که به روش دو مرحله‌ای طبقه‌ای سهمیه‌ای و خوشه‌ای در همه مقاطع تحصیلی از ۷ دانشگاه منتخب در تهران اعم از دولتی و آزاد در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ انتخاب شدند. سطح اول نمونه‌گیری گروه تحصیلی و سطح دوم نمونه‌گیری، نوع دانشگاه در نظر گرفته شد. تعداد ۲۰۳۱ دانشجوی دختر و پسر اعم از متأهل و مجرد وارد مطالعه شدند. ۶۹/۸٪ دختر (تعداد ۱۴۰۲ نفر) و ۳۰/۲٪ پسر (تعداد ۶۰۴ نفر) در پیمایش شرکت کردند. در این مقاله فقط دانشجویان متأهل (تعداد ۲۹۹ نفر) مورد بررسی قرار گرفتند.

نمونه پیمایش در دانشگاه‌های منتخب در قالب ۸۷ خوشه یا کلاس (طیف تعداد نفرات در هر خوشه یا کلاس از ۴ نفر تا ۵۲ نفر متغیر بود) جمع‌آوری شدند. حدود نیمی از شرکت‌کنندگان در مطالعه از دانشگاه‌های آزاد (۴۹/۵٪) و بقیه از دانشگاه‌های دولتی وارد مطالعه شده‌اند. با توجه به نوع نمونه‌گیری، سهم نمونه وارد شده از هر دانشگاه و هر رشته متناسب با سهم آن دانشگاه و آن رشته در جمعیت مرجع بوده و می‌توان تا حدود زیادی اطمینان داشت که نمونه مورد بررسی در این پیمایش مشابه با جمعیت مورد مطالعه یا دانشجویان ۱۸ تا ۴۰ ساله دانشگاه‌های دولتی و آزاد در شهر تهران می‌باشند. لذا قابلیت تعمیم نتایج به آن جامعه را خواهد داشت. از بین چهار دانشگاه منتخب دولتی و سه دانشکده دانشگاه آزاد نمونه مورد نظر انتخاب گردید. دانشگاه‌های دولتی در سطح دوم نمونه‌گیری به صورت تصادفی در نظر گرفته شدند. در پیمایش، افرادی که در یکی از مقاطع تحصیلی دانشجو (فوق دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) بوده و بین ۱۸ تا ۴۰ سال سن داشتند و رضایت کامل برای شرکت در مطالعه داشتند در مطالعه وارد شدند. متغیر وابسته

در این مقاله عبارت است از رضایت زناشویی و متغیر مستقل عبارت است از تجربه معاشرت دوستی و پیشرونده (جنسی) قبل از ازدواج با همسر کنونی و یا فردی غیر همسر کنونی و متغیرهای کنترل عبارتند از سن همسر، مدت زندگی زناشویی، سازگاری فرهنگی، مذهبی و اقتصادی با همسر، وجود طلاق در خانواده همسر، میزان شناخت از یکدیگر در بدو ازدواج و میزان تأیید همسر توسط خانواده. همچنین متغیرهای مخدوش کننده نیز عبارت بودند از جنس، سن و تحصیلات و وضعیت اقتصادی. در این مطالعه، داشتن معاشرت دوستی با جنس مخالف به مفهوم رابطه عاطفی با یا بدون قصد ازدواج بوده که روابط اجتماعی با جنس مخالف را شامل نمی شود در حالی که معاشرت پیشرونده با جنس مخالف به معنی تجربه هر گونه تماس فیزیکی نزدیک یا جنسی با دوست یا فردی از جنس مخالف است که قبل از هرگونه پیوند نکاحی و ازدواج رخ داده باشد.

ابزار سنجش

مقیاس رضایت زناشویی انریچ (السون و همکاران، ۱۹۸۹): برای سنجش رضایت زناشویی در این مطالعه، از نسخه این مقیاس که دارای ۱۶ گویه بوده و روایی و اعتبار آن قبلاً در ایران بررسی شده است، استفاده گردید. این مقیاس روی ۲۱۵۰۱ زوج در کشور آمریکا هنجاریابی شده است و اعتبار این مقیاس نیز از همسانی درونی و به روش آلفای کرونباخ دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۸۶ برای هر کدام از ۴ مقیاس و ۰/۷۹ برای کل آزمون برخوردار بوده است. همچنین پایایی به روش آزمون بازآزمایی با فاصله ۴ هفته مقدار ۰/۸۶ را نشان داده است (اولسون، ۲۰۰۶، به نقل از صادقی، ۱۳۸۹). این آزمون توسط متخصصان روان شناسی و زبان شناسی ترجمه و اعتبار این آزمون از طریق همسانی درونی و با استفاده از آلفای کرونباخ بر روی نمونه ایرانی، برای کل ابزار ۰/۸۴ و برای مقیاس های آن از ۰/۶۸ (تحریف ادراکی) تا ۰/۸۸ (رضایت زوجین) محاسبه شده است. میانگین نمرات برای مقیاس های رضایتمندی زناشویی، مهارت های ارتباطی، چگونگی حل اختلاف و تحریف آرمانی به ترتیب ۳۲/۵۷، ۳۱/۰۹، ۳۱/۱۹ و ۱۵/۰۴ به دست آمده است (صادقی، ۱۳۸۹).

پرسش نامه پیمایش بدون نام و خودایفایی: این پرسش نامه شامل هشت بخش بوده است. مشخصه های جمعیتی شامل ۱۱ سؤال، مشخصات خانوادگی شامل ۱۹ سؤال، دسترسی به رسانه ها و برخی عادات رفتاری شامل ۸ سؤال، رفتارهای دوستان و همسالان در خصوص معاشرت با جنس مخالف و هنجارهای آن ها حاوی ۱۵ سؤال، نگرش در خصوص معاشرت با جنس مخالف و تأثیر بر سن ازدواج، رضایت زناشویی و طلاق شامل ۱۹ سؤال، قصد و رفتار افراد در زمان مطالعه شامل ۷ سؤال بود. بخش هفتم مخصوص متأهلین بود که حاوی ۳۳ سؤال در خصوص ازدواج و خصوصیات همسر بوده که در خود گویه های منتخب از پرسش نامه رضایت زناشویی انریچ را شامل می شد. بخش اول تا ششم را همه افراد تکمیل کردند، در حالی که بخش هفتم را فقط متأهلین تکمیل نمودند.

بخش رفتار پرسش‌نامه حاوی سؤالاتی پیرامون تجربه داشتن رابطه دوستی قبل از ازدواج، تعداد افرادی از جنس مخالف که با آن‌ها رابطه دوستی داشته‌اند و تجربه روابط پیشرونده (شامل تماس‌های جنسی) قبل از ازدواج می‌باشد.

اعتبار پرسش‌نامه: پرسش‌نامه تهیه شده توسط ده صاحب‌نظر در زمینه جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و بهداشت مرور شده و اعتبار محتوایی پرسش‌نامه مورد ارزیابی قرار گرفته است. اعتبار پرسش‌نامه با جمله‌بندی صحیح و استفاده از پرسشگر آموزش دیده افزایش یافته و تعداد ۱۰ پرسش‌نامه توسط ۱۰ نفر تکمیل شده و سؤالات مبهم یا دو پهلو و یا نامفهوم توسط آنان شناسایی و اصلاح شدند. همچنین مطالعه کیفی قبل از پیمایش به ارتقای اعتبار سؤالات پرسش‌نامه کمک کرد. لازم به ذکر است که نتایج بخش کیفی این مطالعه هنوز منتشر نشده است (خلج‌آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۰).

روایی پرسش‌نامه: برای دریافت نظرات پاسخ‌گو در موقعیت‌های مختلف، تعدادی گویه نگرشی در موقعیت‌های مختلف در پرسش‌نامه مطرح شد و نظر پاسخ‌گو نسبت به گویه‌ها در شرایط مختلف سنجیده شد و بر اساس گویه‌های فوق، مقیاس ساخته شد. این کار موجب ارتقای اعتبار نتایج و حتی روایی پرسش‌نامه گردید. همبستگی درونی گویه‌ها نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته است. پرسش‌نامه روی ۶۱ دانشجو پایلوت گردید و مقیاس‌های نگرشی با استفاده از تحلیل عاملی ساخته شد و سؤالاتی که قدرت تبیین‌کنندگی کمی در یک عامل داشتند حذف شدند. کسب رضایت آگاهانه شفاهی، بی‌نام بودن پرسش‌نامه و مشخص نبودن هویت افراد از ملاحظات اخلاقی این مطالعه محسوب می‌شود.

نتایج

توصیف متغیرهای اجتماعی اقتصادی و زناشویی به تفکیک جنس در جدول ۱ آمده است. حدود ۳۸٪ دانشجویان متأهل، تجربه رابطه دوستی با همسر کنونی را در قبل از ازدواج گزارش کرده‌اند که این درصد در زنان کمی بیشتر از مردان است ولی اختلاف معناداری ندارند (۳۸/۱٪ در مقابل ۳۶/۱٪، $P=0/927$). تنها حدود ۱۰٪ گزارش کرده‌اند که با همسرشان قبل از ازدواج رابطه پیشرفته داشته‌اند که در زنان به طور قابل توجهی این درصد بیشتر از مردان است ولی اختلاف معناداری ندارند (۱۱/۲٪ در مقابل ۶/۶٪).

در خصوص تجربه دوستی با غیر همسر در کل دانشجویان متأهل حدود ۲۹/۵٪ گزارش شده است که این رقم تقریباً بین مردان و زنان متأهل یکسان بود. تنها حدود ۸٪ ارتباط پیشرفته با غیر همسر کنونی گزارش شده است که این رقم در بین مردان به طور قابل توجهی بیشتر از زنان متأهل است ولی از نظر آماری معنادار نیست (۱۱/۷٪ در مقابل ۶/۳٪، $P=0/211$).

جدول ۱: توصیف مشخصه های ازدواج در پاسخ‌گویان متأهل در پیمایش به تفکیک جنس

تست آماری کای دو و آزمون تی (p-value)	جنس			مشخصه
	کل	مرد	زن	
<0/001	22/5	26/70	21/4	میانگین سن اولین ازدواج (طیف 15-39)
0/025	27/6 35/8 16/3 20/2	20/3 31/3 28/1 20/3	30/1 27/3 12/4 20/2	مدت زندگی زناشویی (%) کمتر از یک سال بین یک تا پنج سال بین شش تا ده سال بیش از ده سال
<0/001	25/5	23/1	26/4	میانگین سن همسر در زمان ازدواج (طیف 16-41)
0/014	56/6 22/6 20/8	46/8 24/2 29/0	60/4 22/0 17/6	تعداد فرزندان (%) بدون فرزند یک فرزند دو فرزند و بیشتر
0/026	52/3 13/6 20/8 13/3	51/6 23/4 18/8 6/3	52/5 10/5 21/5 15/5	نحوه انتخاب همسر (%) خواستگاری (سنتی) آشنایی در محیط کار بر اساس رابطه دوستی و عاطفی قبل از ازدواج سایر
0/188	6/6 44/4 49/0	3/1 37/5 59/4	7/7 46/7 45/6	تحصیلات در زمان ازدواج (%) زیر دیپلم دیپلم و فوق دیپلم لیسانس و فوق لیسانس و دکتری
0/813	5/0 37/9 57/0	6/3 34/4 59/4	4/6 39/1 56/3	تحصیلات همسر در زمان ازدواج (%) زیر دیپلم دیپلم و فوق دیپلم لیسانس و فوق لیسانس و دکتری
0/238	3/78	3/90	3/73	میانگین میزان همخوانی اقتصادی با خانواده همسر (طیف نمره 1-5)*
0/06	3/80	4/02	3/72	میانگین میزان همخوانی فرهنگی با خانواده همسر (طیف نمره 1-5)*
0/193	3/92	4/06	3/87	میانگین میزان همخوانی مذهبی با خانواده همسر (طیف نمره 1-5)*
0/33	19/9	18/8	20/3	وجود موارد طلاق در خانواده درجه یک همسر (%)
0/693	4/06	4/09	4/04	میانگین تأیید همسر توسط خانواده فرد در اوایل ازدواج (طیف 1-5)
0/120	3/52	3/68	3/45	میانگین شناخت از همسر در بدو ازدواج (طیف 1-5)
	(100) 265	(100) 65	(100) 200	تعداد کل (درصد)

* نمره بیشتر نمایانگر سازگاری و همخوانی بیشتر است.

باید توجه کرد که درصدهای بالا در مورد کسانی است که تمایل به گزارش کردن تجربیات قبل از ازدواج خود را داشته‌اند. در مورد سؤالات فوق، گزینه‌ای با عنوان «تمایلی به گزارش کردن ندارم» وجود داشت. بین ۱/۳ تا ۳/۳٪ افراد تمایلی به پاسخ دادن به سؤالات بالا نداشتند که از تحلیل کنار گذاشته شدند.

برای ارزیابی افتراقی اعتبار پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ که پیش از این اعتبار آن در ایران مورد ارزیابی قرار گرفته بود، میانگین نمره این مقیاس را در بین کسانی که از روابط زناشویی خود به طور کلی اظهار رضایت کرده با کسانی که اظهار عدم رضایت یا حد متوسط رضایت داشته‌اند، مقایسه کردیم. از بین ۲۱۷ نفر متأهلی که بطور کامل به سؤالات این بخش پاسخ داده بودند ۱۸۳ نفر در کل از زندگی زناشویی خود شادمان و راضی بودند، ۱۰ نفر ناراضی و ۲۴ نفر در میانه قرار داشتند. میانگین این مقیاس به طور معناداری در گروهی که رضایت کلی از روابط زناشویی خود داشتند بیشتر از میانگین فوق در گروهی بود که رضایت و خشنودی کمتر از روابط خود با همسرشان داشتند (۵۸/۸ در مقابل ۳۱/۷، $p < 0/001$).

جدول ۲: نتایج تحلیل دو متغیره عوامل مرتبط با رضایت زناشویی (مقیاس ۱۶ گزینه‌ای انریچ)

در بین متأهلین

متغیر	تعداد	میانگین نمره رضایت زناشویی (طیف نمره: ۲۵-۷۸)	انحراف معیار	p-value
طول مدت زندگی مشترک کمتر از یک سال	۶۴	۵۸/۸۳	۷/۸۲	<0/001
بین ۱ تا ۵ سال	۷۶	۵۸/۰۶	۸/۷۳	
بین ۶ تا ۱۰ سال	۳۱	۵۴/۰۶	۸/۳۳	
بالای ۱۰ سال	۴۱	۴۹/۷۸	۱۰/۹۷	
نحوه انتخاب همسر ازدواج سنتی	۱۰۹	۵۶/۰۵	۸/۵۸	0/۶۶۹
آشنایی در محیط کار یا تحصیل	۳۲	۵۶/۳۱	۹/۵۲	
دوستی و معاشرت قبل از ازدواج	۴۶	۵۷/۳۴	۱۰/۱۳	
سایر	۳۰	۵۶/۶۰	۱۱/۲۹	
تحصیلات در زمان ازدواج زیر دیپلم	۱۴	۵۱/۴۳	۱۱/۹۵	<0/001
دیپلم و کاردانی	۹۲	۵۴/۵۶	۱۰/۸۵	
کارشناسی به بالا	۱۱۰	۵۸/۱۳	۷/۳۰	
تحصیلات همسر در زمان ازدواج زیر دیپلم	۱۰	۵۵/۸۰	۷/۲۴	<0/05
دیپلم و کاردانی	۷۶	۵۳/۶۲	۱۱/۱۴	
کارشناسی به بالا	۱۳۰	۵۷/۶۳	۸/۱۷	

ادامه جدول ۲

۰/۰۵	۱۰/۰۰	۵۵/۰۰	۳۸	وجود موارد طلاق در خانواده درجه یک همسر
	۹/۱۰	۵۶/۷۱	۱۶۰	بلی
	۱۳/۹۷	۴۸/۷۵	۸	خیر
				نمیدانم
۰/۰۰۷	۱۰/۹۷	۵۸/۲	۸۹	سازگاری با همسر از نظر اقتصادی*
	۸/۳۳	۶۰/۷	۵۹	خیلی کم
	۸/۵۳	۶۳/۲	۶۱	متوسط خیلی زیاد
۰/۰۰۰	۱۱/۲۱	۵۶/۹	۷۸	سازگاری با همسر از نظر فرهنگی
	۸/۳۹	۶۱/۴	۶۴	خیلی کم
	۷/۹۷	۶۳/۳	۶۷	متوسط خیلی زیاد
۰/۰۰۳	۱۱/۶۹	۵۷/۵	۶۶	سازگاری مذهبی با همسر
	۸/۶۳	۶۰/۰	۷۰	خیلی کم
	۸/۱۷	۶۳/۲	۷۲	متوسط خیلی زیاد

* جهت طبقه‌بندی سازگاری اقتصادی، فرهنگی و مذهبی، با استفاده از نرم‌افزار، نمرات زیر ۳، بین ۳ و ۴ و بالای ۴ به ترتیب برای سازگاری خیلی کم، متوسط و زیاد در نظر گرفته شدند و میانگین رضایت زناشویی در هر طبقه با طبقات دیگر مقایسه شد و تست آماری آنالیز واریانس انجام شد.

بر اساس جدول ۲، میانگین نمره رضایت زناشویی با افزایش طول مدت ازدواج کاهش می‌یابد، به طوری که افرادی که فقط کمتر از یک سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته است، بالاترین میانگین نمره رضایت‌مندی زناشویی را داشته (۵۸/۸۳)، در حالی که افرادی که بیش از ۱۰ سال از زندگی مشترک‌شان می‌گذرد، کمترین نمره را داشتند (۴۹/۷۸) ($P < ۰/۰۰۱$).

در خصوص نقش میزان تحصیلات در زمان ازدواج در رضایت زناشویی، نشان داده شد که افرادی که در زمان ازدواج دارای تحصیلات بالاتری بودند میانگین نمره رضایت زناشویی آن‌ها به طور معنی‌داری بیشتر از افراد دیگر با تحصیلات کمتر است. رابطه بین وجود موارد طلاق در خانواده درجه یک همسر و میزان رضایت زناشویی نیز معنادار بود. به طوری که نمره رضایت زناشویی در کسانی که در خانواده همسرشان موارد طلاق وجود نداشت به طور معناداری بیشتر از سایرین بود (۵۶/۷ در مقابل ۴۸/۷ و ۵۵/۰، $P = ۰/۰۵$). هم‌چنین نمره رضایت زناشویی در زنان و مردانی که میزان سازگاری اقتصادی، فرهنگی و مذهبی بیشتری با همسر داشتند بیشتر از افرادی بود که سازگاری کم از نظر اقتصادی، فرهنگی و مذهبی را با همسر گزارش نمودند.

ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای کمی مربوط به زندگی زناشویی و رضایت زناشویی نشانگر همبستگی معنادار بین مؤلفه‌های مختلف مرتبط با رضایت زناشویی است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای کمی مربوط به مشخصه‌های ازدواج و مقیاس رضایت زناشویی (تعداد نمونه: ۲۱۷)

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
شناخت خصوصیات همسر قبل از ازدواج	تأیید همسر توسط خانواده در	سازگاری با همسر از نظر مذهبی	سازگاری با همسر از نظر فرهنگی	سازگاری با همسر از نظر اقتصادی	تعداد فرزندان	سن همسر در زمان ازدواج	سن فرد در زمان ازدواج	رضایت زناشویی	
								۱/۰۰	۱
							۱/۰۰	۰/۰۶۵	۲
						۱/۰۰	۰/۲۰۶ p<۰/۰۱	۰/۰۳۵	۳
					۱/۰۰	-۰/۰۲۳	۰/۰۲۹	-۰/۲۸۰ p<۰/۰۰۱	۴
				۱/۰۰	۰/۰۰۳	-۰/۰۳۱	-۰/۰۱۷	۰/۱۶۱ p<۰/۰۰۵	۵
			۱/۰۰	۰/۰۶۱۶ p<۰/۰۰۱	-۰/۱۲۷	-۰/۰۹۸	-۰/۰۲۶	۰/۲۹۱ p<۰/۰۰۱	۶
		۱/۰۰	۰/۷۳۷ p<۰/۰۰۱	۰/۴۵۵ p<۰/۰۰۱	-۰/۰۸۰	-۰/۱۴۸	-۰/۰۴۱	۰/۳۳۰ p<۰/۰۰۱	۷
	۱/۰۰	۰/۳۴۱ p<۰/۰۰۱	۰/۳۵۱ p<۰/۰۰۱	۰/۱۹۶ p<۰/۰۰۱	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۱	۰/۰۱۰	۰/۱۲۹	۸
۱/۰۰	۰/۲۴۲ p<۰/۰۰۱	۰/۲۵۳ p<۰/۰۰۱	۰/۲۳۸ p<۰/۰۰۱	۰/۱۵۹ p<۰/۰۰۵	-۰/۲۳۱ p<۰/۰۰۱	-۰/۰۱۸	۰/۰۹۸	۰/۴۳۵ p<۰/۰۰۱	۹

نمره میانگین رضایت زناشویی در بین کسانی که رابطه دوستی و پیشرفته با همسر و یا با غیر همسر قبل از ازدواج داشته‌اند، تفاوت معناداری با نمره افراد دیگر بدون رابطه‌های فوق، وجود ندارد (جدول ۴).

جدول ۴: میانگین میزان رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل به تفکیک تجربه معاشرت قبل از ازدواج با جنس مخالف

P-value	انحراف معیار	میانگین رضایت زناشویی	تعداد	متغیر
۰/۵۷۳	۱۰/۷۴	۵۶/۱۹	۸۴	معاشرت دوستی با همسر کنونی
	۸/۳۲	۵۶/۰۲	۱۲۳	بلی
	۱۲/۷۸	۵۱/۶۰	۵	خیر عدم تمایل به پاسخدهی
۰/۸۷۴	۱۰/۶۸	۵۷/۰۰	۲۱	معاشرت پیشرفته با همسر کنونی
	۹/۳۸	۵۵/۹۰	۱۷۹	بلی
	۵/۶۵	۵۷/۰۰	۲	خیر عدم تمایل به پاسخدهی
۰/۸۶۸	۱۰/۹۴	۵۵/۵۳	۶۵	معاشرت دوستی با غیر همسر
	۸/۹۰	۵۶/۰۸	۱۳۳	بلی
	۶/۰۷	۵۷/۲۸	۷	خیر عدم تمایل به پاسخدهی
۰/۱۷۸	۱۱/۲۳	۶۰/۰۰	۱۷	معاشرت پیشرفته با غیر همسر
	۹/۳۰	۵۵/۷۹	۱۸۱	بلی
	۳/۸۶	۵۶/۲۵	۴	خیر عدم تمایل به پاسخدهی

با توجه به این که طول مدت ازدواج یک متغیر مهم در رضایت زناشویی نشان داده شد، برای تست و تحلیل اثرات معاشرت قبل از ازدواج با جنس مخالف و تعداد معاشرت‌ها بر رضایت زناشویی، و کنترل اثر طول مدت ازدواج، در تحلیلی دیگر، فقط افراد متأهلی که کمتر از ۵ سال از زندگی مشترکشان گذشته بود در نظر گرفته شدند (جدول ۵)، لذا اثر مخدوش‌کنندگی طول مدت زندگی زناشویی در رضایت زناشویی کنترل گردید. بنابراین نتایج نشان داد که بیشترین رضایت زناشویی در بین افراد بدون تجربه رابطه دوستی قبل از ازدواج، دیده شد (نمره ۵۹/۳۰) و کمترین نمره رضایت زناشویی در افرادی با بیش از سه رابطه دوستی قبل از ازدواج دیده شد (۵۱/۰۹).

هم‌چنین افرادی که ۳ مورد یا کمتر رابطه دوستی قبل از ازدواج داشتند، به‌طور معناداری نمره رضایت زناشویی بیشتری از افراد با بیش از سه رابطه دوستی قبل از ازدواج داشتند (۵۸/۵۶) در مقابل ۵۱/۰۹، $P < 0/01$ ولی تفاوت چندانی با رضایت زناشویی افرادی که هیچ رابطه‌ای نداشتند نشان داده نشد. سن اولین رابطه دوستی با جنس مخالف با میزان رضایت زناشویی ارتباط معناداری را نشان نداد.

جدول ۵: مقایسه میانگین نمره رضایت‌مندی زناشویی در بین کسانی که کمتر از ۵ سال از زندگی

زناشویی آن‌ها گذشته است بر حسب تعداد رابطه‌های دوستی قبل از ازدواج

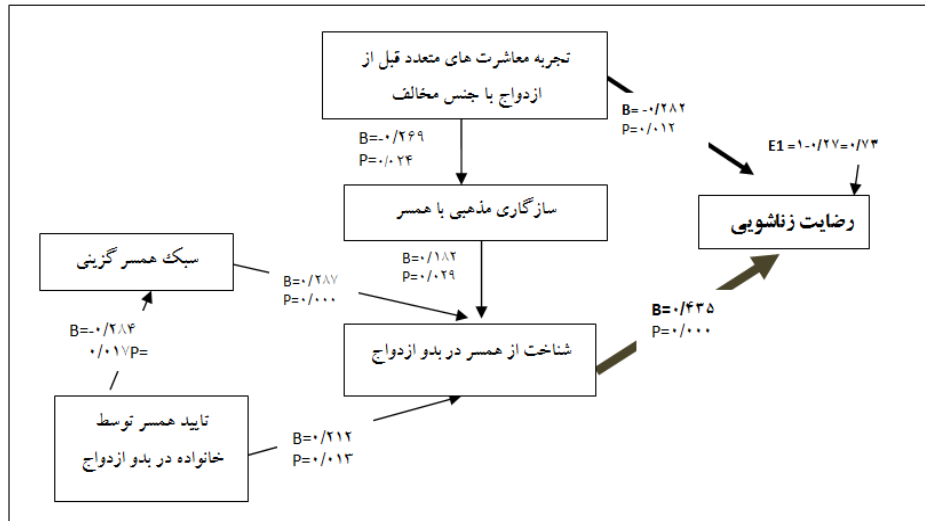
P-value	انحراف معیار	میانگین رضایت زناشویی انریج ۱۶ گویه‌ای	تعداد	در بین کسانی که ۵ سال یا کمتر از زندگی مشترکشان گذشته است:
<0/01	۶/۷۹	۵۹/۳۰	۶۹	تجربه رابطه دوستی قبل از ازدواج با جنس مخالف هیچ رابطه دوستی با جنس مخالف
	۹/۴۴	۵۸/۵۶	۵۳	کمتر یا مساوی ۳ رابطه دوستی با جنس مخالف
	۸/۰۰	۵۱/۰۹	۱۱	بیش از ۳ رابطه دوستی با جنس مخالف
0/۸۷۵	۱۰/۶۸	۵۶/۷۱	۳۱	سن اولین رابطه دوستی با جنس مخالف زیر ۱۷ سال
	۱۰/۵۲	۵۸/۰۰	۲۱	۱۷ تا ۱۹ سال
	۵/۱۷	۵۷/۷۶	۱۷	۱۹ سال به بالا

تحلیل مسیر

به منظور تعیین مسیر اثرگذاری، اثرات مستقیم و غیرمستقیم و چگونگی تأثیر عوامل مختلف تعیین‌کننده رضایت زناشویی، از تحلیل مسیر در بین زنان و مردانی که فقط ۵ سال از زندگی مشترک آن‌ها می‌گذشت، استفاده شد. در تحلیل فوق مشخص شد، تجربه معاشرت‌های متعدد (بیش از ۳ معاشرت قبل از ازدواج) غیر از این که به‌طور مستقیم بر رضایت کمتر زناشویی تأثیر می‌گذارد بلکه به‌طور غیرمستقیم از طریق انتخاب همسر با سازگاری کم مذهبی، منجر به ازدواجی می‌گردد که در آن شناخت از همسر در بدو ازدواج کم می‌باشد. هم‌چنین مسیر تأثیرگذاری سبک

همسرگزینی و تأیید همسر توسط خانواده که در تحلیل‌های دو متغیره به عنوان عوامل مرتبط با رضایت زناشویی شناخته شده بودند در تحلیل مسیر نشان داده شد که از طریق تأثیر بر میزان شناخت از همسر در بدو ازدواج بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارند.

شکل ۱: تحلیل مسیر عوامل تأثیرگذار بر رضایت زناشویی و نقش معاشرت‌های متعدد با جنس مخالف قبل از ازدواج



بر اساس مدل تحلیل مسیر استنتاجی بالا، رضایت زناشویی به عنوان متغیر وابسته در سمت راست مدل می‌باشد. بیشترین ضریب تأثیر روی رضایت زناشویی مربوط به میزان شناخت از همسر در بدو ازدواج می‌باشد ($B = 0.435$, $P < 0.001$) و پس از آن تجربه معاشرت‌های متعدد با جنس مخالف قبل از ازدواج است که بیشترین ضریب تأثیر منفی را بر رضایت زناشویی دارد ($B = -0.282$, $P < 0.05$). هم‌چنین تجربه معاشرت‌های متعدد به طور غیرمستقیم از طریق ناسازگاری مذهبی با همسر بر کاهش رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد ($B = -0.269 * 0.182 * 0.435 = -0.02$).

بر اساس مدل بالا، تأیید همسر توسط خانواده و سبک همسرگزینی از طریق تأثیر بر میزان شناخت از همسر، تأثیر خود را بر رضایت زناشویی اعمال می‌کند، به طوری که ضریب تأثیر غیرمستقیم تأیید همسر توسط خانواده از حاصل ضرب سایر ضرایب واسطه حاصل می‌شود ($0.284 * 0.287 * 0.435 = 0.03$). ضریب تأثیر سبک همسرگزینی بر رضایت زناشویی نیز از طریق شناخت از همسر در بدو ازدواج اعمال می‌گردد ($0.287 * 0.435 = 0.124$). ضریب تأثیر غیرمستقیم سازگاری مذهبی بر رضایت زناشویی عبارت است از $0.079 = 0.182 * 0.435 = 0.079$.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه نشان داد که در بین افرادی که ۵ سال یا کمتر از زندگی مشترک‌شان گذشته، پس از کنترل اثر جنس و سایر عوامل مهم در رضایت زناشویی، افرادی که هیچ و یا سه مورد و کمتر رابطه با جنس مخالف را گزارش کرده‌اند، به طور معناداری رضایت زناشویی بیشتری داشتند در مقایسه با افرادی که بیش از سه رابطه دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج گزارش کرده‌اند. یک فراتحلیل در سال ۲۰۱۰ و مطالعه مروری در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۲، نیز تأثیر منفی معاشرت‌های قبل از ازدواج به صورت همباشی (هم‌خانگی) را روی ثبات و کیفیت ازدواج نشان دادند که حتی با هنجار شدن این نوع معاشرت‌ها قبل از ازدواج به مرور زمان، تأثیر منفی آن همچنان باقی می‌ماند (جوز و همکاران، ۲۰۱۰ و داش و همکاران، ۲۰۰۳ و ۲۰۱۲).

این نتایج می‌تواند بیانگر این نکته باشد که افرادی که تعدد رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج دارند احتمال این که انگیزه آن‌ها از معاشرت‌های فوق، انگیزه‌ای غیر از ازدواج باشد، بیشتر است و در واقع انگیزه این نوع معاشرت‌ها است که تعیین‌کننده تأثیر آن بر رضایت زناشویی می‌باشد. لذا اثرات منفی این روابط بر رضایت زناشویی مشهود است. چنان‌چه بخش کیفی همین مطالعه نیز نشان داد خود این ارتباطات، موجب می‌گردد افراد، دست به قیاس‌های مداوم همسر با شرکای قبلی زده، و یا موجب ایجاد حس تنوع‌طلبی در افراد شده و احتمالاً باعث سازگاری کمتر و یا برقراری مجدد ارتباط با دوستان قبلی شده که خود این عوامل ممکن است با احساس رضایت کمتر از زندگی زناشویی همراه شود.

دلایل متعددی تأثیرات فوق را می‌توانند توضیح دهند. یکی از دلایل این است که افرادی که پیش از ازدواج معاشرت پیشرفته با همسر یا غیر همسر را تجربه می‌کنند و یا افرادی که معاشرت‌های متعدد دارند به طرق معینی با سایرین متفاوت هستند و همین تفاوت‌ها (یا خصوصیات فردی و شخصیتی آن‌ها) است که احتمال روابط زناشویی ضعیف را ایجاد می‌کند. تأثیر ویژگی‌های شخصیتی زنان و مردان در روابط بین فردی عامل سازگاری زناشویی آنان شناخته شده است (مومن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). به طوری که حتی رابطه بین تفکرات غیرمنطقی زوجین و کاهش سازگاری زناشویی آن‌ها نشان داده است اصولاً فردی که روابط متعدد را بدون انگیزه ازدواج تجربه می‌کند، فردی تنوع‌طلب و فردگرا بوده و با این تجربیات، حس تنوع‌طلبی را در خود توسعه داده است و یا اصولاً فردی با نگرش آزادتر بوده که مسلماً قبول مسئولیت‌ها و تعهدات ازدواج را به سختی می‌پذیرد. این موضوع توسط سایر مطالعات در مورد همباشی نشان داده شده است.

افرادی که همباش می‌شوند در واقع افراد گزینش شده‌ای هستند با خصوصیتی که با یک رابطه پایدار سازگار نمی‌باشد (ناک، ۱۹۹۵ به نقل از بودینزکی، ۲۰۰۵)، مانند فقر، بزرگ شدن با والدین طلاق گرفته و برخورداری از نگرش‌های غیرسنتی (داش، ۲۰۰۳). در واقع موضوع انتخاب همباش‌ها

است که بیشترین تأثیر را بر کیفیت نامناسب زندگی زناشویی می‌گذارد (بروان و همکاران، ۲۰۰۶). این امر در مورد افرادی که معاشرت‌های قبل از ازدواج را تجربه می‌کنند نیز ممکن است صادق باشد.

از سوی دیگر، خود تجربه معاشرت‌های قبل از ازدواج، صرف‌نظر از خصوصیتی که زوجین با خود به رابطه می‌آورند، موجب کاهش رضایت زناشویی می‌گردد. این تجربیات در واقع، افراد و روابط آن‌ها را به طریقی تغییر می‌دهد که کیفیت زندگی زناشویی و تعهدات بعدی را کم‌ارزش و بی‌اهمیت می‌پندارند. شماری از مطالعات، سازوکارهایی را که از آن طریق تجربه همباشی ممکن است بر کیفیت زندگی زناشویی و ثبات آن اثر بگذارد، شناسایی کرده‌اند. به طور مثال مردم پس از چنین تجربیاتی (همباشی و معاشرت قبل از ازدواج)، پذیرش بیشتری برای طلاق دارند تا پیش از تجربیات فوق. این تغییر دیدگاه‌ها ممکن است پیامدهایی برای کیفیت زندگی زناشویی و ثبات زندگی آن‌ها در دوره زناشویی پس از همباشی داشته باشد. داش و همکاران (سال ۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای روی دو هم‌دوره‌ای ازدواج از زوجین (کوهورت سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۰) و (کوهورت سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۷) در آمریکا، نشان دادند که در هر دو کوهورت ازدواجی، زوجینی که قبل از ازدواج همباش بودند، کیفیت زندگی زناشویی کمتری و عدم ثبات ازدواج بیشتری داشتند.

زمانی که فاکتورهای انتخاب همباشی و عدم ثبات ازدواج در مدل آماری کنترل شدند، کسانی که همباش بودند در هر دو کوهورت کیفیت پایین‌تری از ازدواج نشان دادند و عدم ثبات بیشتری در ازدواج داشتند. این نتایج، مؤید این بود که خود «تجربه همباشی» تأثیرات منفی بر کیفیت رابطه زناشویی دارد (داش، کوهان و آمانو، ۲۰۱۲).

در واقع تجربه معاشرت‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف و همباشی می‌تواند عامل ایجاد تغییر در نگرش‌ها نسبت به ازدواج و روابط زناشویی باشد (آکسین و باربر، ۱۹۹۷ به نقل از داش، ۲۰۰۳). به علاوه زمان صرف شده در این گونه معاشرت‌ها و هم‌چنین همباشی نیز به توسعه دیدگاه‌های منفی نسبت به ازدواج و جنس مخالف و دیدگاه‌های مثبت به طلاق کمک می‌کند. تامسون و همکارانش نشان دادند که همباش‌ها، افرادی را که تعهد ضعیف‌تری به نهاد خانواده دارند را انتخاب می‌کنند. اینها تعهد کمتر به ازدواج و تحمل بیشتر برای طلاق دارند و معمولاً کمتر دیدگاه‌های مثبتی را درباره رابطه خود مطرح می‌کنند تا افراد ازدواج کرده (تامسون و کوللا، ۱۹۹۲؛ به نقل از بودینسکی، ۲۰۰۵).

دلایل ذکر شده در مورد همباشی و اثرات آن بر کیفیت ازدواج و طلاق در مورد جامعه ایران که معاشرت‌های دوستی و یا عاطفی قبل از ازدواج با جنس مخالف به جای همباشی از شیوع بیشتری برخوردار است قابل تعمیم می‌باشد. در واقع افرادی که به طور متعدد این نوع تجربیات و

معاشرت‌ها را داشته‌اند ممکن است از سطح تعهدات کمتری در رابطه برخوردار بوده و دیدگاه‌های منفی‌تری نسبت به تعهد دائم ازدواج و همچنین جنس مخالف، در آن‌ها توسعه یافته باشد.

مطالعات همچنین نشان داده‌اند که افراد در معاشرت‌های قبل از ازدواج و رابطه‌های همباشی نسبت به ازدواج، معمولاً افراد پرخطرتری را انتخاب می‌کنند. برای مثال تمام کردن تحصیلات دبیرستان، داشتن شغل ثابت و درآمد بالا کمتر به عنوان پیش‌نیازهای ضروری معاشرت‌های قبل از ازدواج و همباشی دیده می‌شود تا ازدواج (کلارک برگ، ۱۹۹۹؛ به نقل از کمپ داش، ۲۰۰۳). اگر مجموعه‌ای از عوامل، همباش‌ها را به اجبار وادار به ازدواج نکند و یا حتی کسانی که در رابطه‌های دوستی و عاطفی قبل از ازدواج هستند، هرگز در شرایط عادی به چنین ازدواج‌هایی ممکن است راضی نشوند. یکی از عوامل ممکن است عادت به فرد، توسعه روابط عاطفی بدون در نظر گرفتن سایر معیارهای ازدواج و زندگی کردن با او باشد. تداوم تعاملات ممکن است فرآیندها را به نحوی پیش ببرد که رابطه به ازدواج ختم شود حتی با یک شریک جنسی خطرناک (داش، ۲۰۰۳).

اهمیت قصد ازدواج در معاشرت‌های قبل از ازدواج به حدی است که نتایج مطالعه حاضر نشان داده است که در صورتی که معاشرت‌ها در جهت شناخت برای ازدواج باشد و به قصد ازدواج باشد که نتیجتاً تعداد آن محدود بوده و با اطلاع خانواده می‌باشد، کمتر تأثیر منفی بر رضایت زناشویی پس از ازدواج خواهد داشت. در غالب تحقیقات انجام شده در زمینه معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و همباشی، محققان زوج‌هایی را که پس از همباشی با هم ازدواج کرده‌اند بر حسب وجود یا عدم وجود رابطه نامزدی تفکیک نکرده‌اند. به بیان دیگر افرادی که اول نامزد می‌شوند بعد با هم همخانه می‌شوند و افرادی که از ابتدا با هم همخانه می‌شوند و بعد نامزد، همه در یک گروه لحاظ شده‌اند. اما در واقع این دو گروه به طور اساسی با هم متفاوت هستند.

به طور مثال، مطالعه براون و بوث (۱۹۹۶) که همباشی را بر حسب تصمیم داشتن / نداشتن آن‌ها برای ازدواج بررسی کرده بودند، نشان داد که کیفیت روابط همباش‌هایی که تصمیم به ازدواج داشته‌اند، تفاوت ناچیزی با روابط افراد متأهل در همین مطالعه داشته است (داش، ۲۰۰۳). جوز و همکارانش نیز در سال ۲۰۱۰ نشان دادند که اثرات منفی همباشی بر ثبات ازدواج در افرادی که در نهایت با فرد همباش ازدواج کرده‌اند تفاوت معناداری با افرادی که همباش نبودند نداشته است (جوز و همکاران، ۲۰۱۰).

تصمیم ازدواج یک روش برای تمایز بین افرادی است که وارد این‌گونه معاشرت‌ها شده و یا همباش می‌شوند (کاسپر و ساییر، ۲۰۰۰). اگرچه ممکن است درصد مهمی از معاشرت‌ها در جوامع مختلف در نهایت به ازدواج ختم شود، ولی زوجها رابطه دوستی و پیشرفته قبل از ازدواج و حتی همباشی را ممکن است با قصد ازدواج آغاز نکنند. زوج‌هایی که رابطه دوستی و همباشی را با قصد ازدواج آغاز می‌کنند، این دوره را بخشی از فرآیند ازدواج می‌بینند، اما زوج‌هایی که بدون برنامه

ازدواج، همباش می‌شوند و یا رابطه دوستی برقرار می‌کنند، آن را بخشی از مراحل مجردی در نظر می‌گیرند، بنابراین به سادگی با موضوع طلاق برخورد می‌کنند (منینگ و آنتوان، ۲۰۰۶). لذا معاشرت با جنس مخالف در صورتی که متعدد نبوده، با قصد ازدواج باشد و به توسعه شناخت بیشتر برای ازدواج کمک کند، ممکن است به کاهش کیفیت زندگی زناشویی منجر نگردد.

نتیجه‌گیری

این مطالعه نشان داد که اقلیت مهمی از افراد متأهل، معاشرت قبل از ازدواج را با همسر کنونی (۳۸٪ معاشرت دوستی و ۱۰٪ معاشرت پیشرفته) و فردی غیر همسر کنونی (۲۹/۵٪ معاشرت دوستی و ۸٪ معاشرت پیشرفته) در ایران تجربه می‌کنند که تجربیات فوق با غیر همسر کنونی در مردان به طور معنی‌داری بیشتر از زنان است. ولی بر اساس این مطالعه، مهم‌ترین عواملی که با رضایت زناشویی در زوج‌های تازه ازدواج کرده (طول مدت ازدواج کمتر از ۵ سال) مرتبط بوده و نقش تعیین‌کننده دارد عبارت است از عدم تجربه معاشرت‌های متعدد قبل از ازدواج و شناخت از همسر در بدو ازدواج. با توجه به این‌که درصد مهمی از طلاق‌ها در ۵ سال اول ازدواج رخ می‌دهد، شناسایی مهم‌ترین عوامل مرتبط با کیفیت ازدواج این گروه از کوهورت‌های ازدواجی می‌تواند در برنامه‌ریزی و مداخلات برای کاهش طلاق و افزایش کیفیت ازدواج در این گروه به کار رود. لذا نتایج فوق در سطح کلان و سطوح سیاست‌گذاری قابل استفاده خواهد بود، ارتباط بین توسعه این معاشرت‌ها در بین جوانان مجرد و پویایی و تحولات ازدواج و خانواده باید بیش از پیش مد نظر قرار گیرد. در سطوح خرد، بسیاری از باورهای غلط در بین جوانان و خانواده در خصوص تأثیرات مثبت این‌گونه معاشرت‌ها بر کیفیت ازدواج، بایستی اصلاح گردد. مشاورین جوانان و خانواده‌ها در مشاوره‌های خود از نتایج این تحقیق بومی می‌توانند در جهت اصلاح باورهای جوانان مدد بگیرند. در آسیب‌شناسی خانواده، مطالعات طلاق و ازدواج، بیش از پیش نقش این گونه معاشرت‌ها دیده شده و در مسائل و آسیب‌های خانواده مانند فرار دختران، طلاق، خیانت و غیره می‌توانند به آن بپردازند.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-------------|-------------------|
| 1. Mat | 17. Dush |
| 2. Bumpass | 18. Dush |
| 3. Martin | 19. Duch |
| 4. Sweet | 20. Cohan |
| 5. DeMaris | 21. Amato |
| 6. McDonald | 22. Axinn thorton |
| 7. DeMaris | 23. Amato |
| 8. Rao | 24. Rogers |
| 9. Smock | 25. Newcomb |

- | | |
|--------------|----------------|
| 10. Kahn | 26. Bentler |
| 11. London | 27. Clark berg |
| 12. Teachman | 28. Thibaut |
| 13. Enrich | 29. Kelley |
| 14. Budinski | 30. Brown |
| 15. Susan L. | 31. Casper |
| 16. Brown | 32. Sayer |

منابع

- جعفری، ف. و همکاران (۱۳۸۴). بررسی مشکلات جنسی پسران دانشجو و عوامل مؤثر بر آن، خلاصه مقالات دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی، تهران: دانشگاه شاهد.
- جوانمرد، ب. (۱۳۸۹). بررسی نقش روابط پیش از ازدواج در حفظ ثبات خانواده سالم، چکیده مقالات چهارمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.
- خدایاری فرد، م. و دیگران (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره سوم، شماره ۱۰، صص ۶۲۰-۶۱۱.
- خلج‌آبادی فراهانی، ف.، کاظمی‌پور، ش. و رحیمی، ع. (۱۳۹۰). گزارش‌هایی طرح «تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج، رضایت زناشویی و طلاق»، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- خلج‌آبادی فراهانی، ف.، کلیند، ج. و مهریار، ا. ه. (۱۳۹۰). بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین دختران دانشجو در تهران، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ششم، شماره ۲۴، صص ۴۶۸-۴۴۹.
- خلج‌آبادی فراهانی، ف.، کاظمی‌پور، ش. و رحیمی، ع. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره نهم، شماره ۳۲، صص ۲۸-۷.
- رزمجویی، ر. (۱۳۸۹). بررسی میزان و نوع روابط پیش از ازدواج زوجین با رضایت زناشویی در سال‌های پس از ازدواج، چکیده مقالات چهارمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.
- سازمان ثبت احوال، (مرداد ۱۳۹۱):
- URL: <http://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=4760>
- سازمان ثبت احوال ایران، (۱۳۹۱):
- URL: <http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/e-t-n-90.pdf>
- صادقی، م. (۱۳۸۹). الگوی تعاملی زناشویی در فرهنگ ایرانی و اثرمندی آموزش مهارت‌های مبتنی بر فرهنگ بر افزایش سازگاری زوجین ناسازگار، پایان‌نامه دکتری، رشته روان‌شناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
- صادقی، م. و همکاران (۱۳۸۹). سبک‌های همسرگزینی و سازگاری زناشویی، چکیده مقالات چهارمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.
- قطبی، م. (۱۳۸۳). بررسی وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد در تابستان ۱۳۸۲، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- گلزاری، م. (۱۳۸۳). دوستی و ارتباط پایدار با جنس مخالف در نوجوانان و رابطه آن با ویژگی‌های خانوادگی، نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ۲۸-۳۰ اردیبهشت سال ۱۳۸۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵.

- مزیانی، ه. و احمدی م. (۱۳۸۹). بررسی رضایت جنسی زوج‌های تهرانی، چکیده مقالات چهارمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.
- مومن‌زاده، ف.، مظاهری، م. و حیدری، م. (۱۳۸۴). ارتباطات تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال اول، شماره ۴، صص ۳۶۹-۳۷۸.
- میرمولایی، س. ط. و دیگران (۱۳۸۴). بررسی رفتارهای جنسی و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های دولتی شهر تهران، خلاصه مقالات دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی، تهران: دانشگاه شاهد.
- Brown S. L., Sanchez L. A., Nock S. L., Wright J. D., (2006). Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability, and divorce: *A comparison of covenant versus standard marriages*, *Social Science Research*, 35; 454-470 .
- Budinski, R. A. & Frank Trovato (2005). *The effect of premarital cohabitation on marital stability over the duration of marriage*, *Canadian Studies in Population*, 32; 69-95.
- Bumpass, L., Martin, T., & Sweet, J. (1991). The impact of family background and early marital factors on marital disruption. *Journal of Family Issues*, 12; 22- 42 .
- DeMaris, A., & Mac Donald, W. (1993). Premarital co-habitation and marital instability: A test of the un-conventionality hypothesis. *Journal of Marriage and the Family*, 55; 399-407.
- DeMaris, A., & Rao, K. (1992). Premarital cohabitation and subsequent marital stability in the United States: A reassessment. *Journal of Marriage and the Family*, 54; 178-190 .
- Dush CMK & et al, (2003). The relationship between cohabitation and marital quality and stability: change across cohorts? *Journal of Marriage and Family*, 65; 539-549 .
- Jose, A., Daniel O'Leary, K., Moyer, A. (2010), Does premarital cohabitation predict subsequent marital stability and marital quality? A meta-analysis, *Journal of Marriage and Family*, 72(1); 105-116.
- Kahn, J., & London, K. (1991), Premarital sex and the risk of divorce. *Journal of Marriage and the Family*, 53; 845-855.
- Khalaj abadi Farahani, F. (2008), Norms, attitude and sexual practice of female college students in Tehran, PhD Thesis, London School of Hygiene and Tropical Medicine, *Department of Epidemiology and Population Health*, London, UK
- Larson, Jeffrey H. & Thomas B. Holman (1994), Premarital predictors of marital quality and stability, *Family Relations*, 228-237 .
- Manning, Wendy D. & Antwan Jones (2006). Cohabitation and marital dissolution, Department of Sociology & Center for Family and Demographic Research, Bowling Green State University.
- Mohammad K, & et al (2007). Sexual risk-taking behaviors among boys aged 15-18 years in tehran, *Journal of Adolescent Health*, 41; 407-414 .
- Mohammadi MR & etal (2007). Parents' Attitudes towards adolescent boy's reproductive health needs and practice in tehran, *Iran J Psychiatry*, 2; 13-24 .
- Mohammadi MR, & et al (2006). Reproductive knowledge, attitudes and behavior among adolescent males in Tehran, Iran. *Int Fam Plan Perspect*; 32: 35-44 .
- Smock, P. (2000). Cohabitation in the United States: An appraisal of research themes, findings, and implications. *Annual Review of Sociology*, 26, 1-20.
- Teachman J. (2003), Premarital sex, premarital cohabitation, and the risk of subsequent marital dissolution among women, *Journal of Marriage and Family*, 65 (May).